

جغرافیای تاریخی منطقه دشمن زیاری در ایل ممسنی فارس

فاطمه رزمجویی^۱ و علیرضا عسکری چاوردی^۲

تاریخ دریافت: ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲۰ / ۰۱ / ۱۳۹۷

چکیده

جغرافیای تاریخی یکی از حوزه‌های مشترک بین دو علم تاریخ و جغرافیا است که در پژوهش‌های میدانی اهمیت بسیار بسزایی دارد. پژوهش حاضر به شیوه اسنادی و میدانی، در پی بررسی و تحلیل جغرافیای تاریخی منطقه دشمن زیاری است. دشمن زیاری یکی از مناطق شهرستان نورآباد ممسنی در سرحدات شمال غربی استان فارس در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده است که با وجود فاصله نزدیکی که به کلان شهر شیراز دارد، همچنان بکر و ناشناخته باقی مانده است. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است، این منطقه سابقاً تیرمردان نام داشته، که علاوه بر ناحیه کنونی دشمن زیاری بخش‌هایی از مناطق جاوید، تنگ بوان و حتی قلعه سفید را شامل می‌شده است که در حمله افغان‌ها به فارس در سال ۱۳۳۹ ه.ق. روستاهایش در آتش سوختند و مردمش پراکنده شدند. اواخر دوره صفویه طایفه دشمن زیاری به همراه دیگر طوایف ممسنی به این منطقه مهاجرت کردند و بعد از سکونت، نام خود را بر این منطقه گذاشتند.

کلید واژه‌ها: دشمن زیاری، تیرمردان، ممسنی، تنگ بوان، قلعه سفید، جغرافیای تاریخی.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): رزمجویی، فاطمه و علیرضا عسکری چاوردی (۱۳۹۷)، پاییز. «جغرافیای تاریخی منطقه دشمن زیاری در ایل ممسنی فارس». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال اول، شماره دوم، صص ۳۶۲-۳۴۱.

^۱ مدرس دانشگاه، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی. Fatemeh.razmjooee27@gmail.com

^۲ دانشیار بخش تاریخ دانشگاه شیراز. askari_chaverdi@yahoo.com

۱. مقدمه

جغرافیای تاریخی یکی از حوزه‌های مشترک بین دو علم تاریخ و جغرافیا است که در پژوهش‌های میدانی اهمیت بسیار بسزایی دارد. در حوزه این علم باید از روش پژوهش علمی مختلف همچون جغرافیا، GIS، باستان‌شناسی و تاریخ استفاده کرد. در واقع جغرافیای تاریخی یک علم بین‌رشته‌ای که با درک ابعاد زمانی و مکانی در روابط جوامع انسانی به محیط‌های محلی و اثرات جهانی حاصل از این روابط می‌پردازد. برای بررسی جغرافیای تاریخی یک منطقه می‌توان از سفرنامه‌ها، منابع جغرافیای نظامی، خاطرات بازرگانان، منابع جغرافیایی قرون نخستین، کتب تواریخ محلی استفاده کرد.

تا پیش از قرن بیستم جغرافیای تاریخی اصطلاحی برای توصیف حداقل سه جریان متمایز فکری بود: بازآفرینی جغرافیای شرح داده شده در کتاب مقدس و آثار کلاسیک یونان و روایت‌های رومی، جغرافیا به مثابه پشتیبان تاریخ که درصدد نشان دادن دگرگونی حدود و ثغور مرزهای دولت‌ها و امپراتوری‌ها بوده و سوم تاریخ اکتشافات جغرافیایی بود. در فاصله دو جنگ جهانی نقش جغرافیا و به دنبال آن تاریخ به‌عنوان ساختار پررنگ‌تر شد تا جایی که در فرانسه مکتب آنال مبحث جغرافیای تاریخی را به‌عنوان یک سبک مشخص مطرح کرد و به دنبال آن در کشورهای دیگر هم ادامه پیدا کرد (پرگاری و بیطرفان، ۱۳۹۴: ۲۱۰).

ابهام در تعریف جغرافیای تاریخی به علت مشترک بودن عنوان جغرافیای تاریخی بین تاریخ و جغرافیا میان محققین بر سر تعریف این علم تا کنون توافق مشترکی بدست نیامده لذا هر یک از مورخین و جغرافیدانان از دیدگاه خود در زمینه موضوع، هدف و روش تحقیق برای آن تعریفی جداگانه در نظر گرفته‌اند. و مهم‌تر آن که نه تنها بین جغرافیدانان و مورخین اتفاق نظر کامل وجود ندارد بلکه بین متخصصین هر یک از این علوم نیز موضوع کاملاً حل نشده است (بیگ محمدی، ۱۳۸۶: ۱۳). در جدول شماره یک تعدادی از تعاریف مربوط به جغرافیای تاریخی از منظر منابع داخلی آورده شده است.

در واقع جغرافیای تاریخی به مطالعه و بررسی یک منطقه در طول زمان می‌پردازد؛ کاری که تاریخ‌نگاران محلی انجام می‌دهند و به مباحثی هم‌چون جغرافیای محیطی، آثار تاریخی، مسیرها و غیره می‌پردازند. در خلال جغرافیای تاریخی، دلایل مهاجرت و تأثیرات محیط در رفتارهای اجتماعی و کنش‌های سیاسی در طول تاریخ در یک مکان، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۱: تعاریف جغرافیای تاریخی از منظر منابع داخلی

| نام | تعریف |
|---------------|--|
| بیات | جغرافیای تاریخی مقدمه‌ای بر جغرافیای انسانی است که در آن از سابقه انسان و گذشته تمدن و تاریخ تأسیسات بشری گفت و گو می‌شود (بیات، ۱۳۶۷: ۱۳). |
| بیگ محمدی | جغرافیای تاریخی، علمی است که رابط بین انسان با طبیعت را در زمان گذشته بررسی می‌کند، از این رو طرح علم روابط مکانی انسان در قالب مقاطع زمانی در گذشته مطرح می‌شود تا چگونگی مسایل امروز بشر بهتر درک شود. به تعبیر دیگر جغرافیای تاریخی همان جغرافیای انسانی گذشته است (بیگ محمدی، ۱۳۸۶: ۱۵). |
| پاپلی یزدی | جغرافیای تاریخی عبارتست از سیر تحول بهره‌برداری از زمین و چگونگی اسکان جمعیت - ها در نواحی و چگونگی مسیر تحول معیشت آن‌ها در طول تاریخ (پاپلی یزدی، ۱۳۶۵). |
| گنجی | جغرافیای تاریخی، مطالعه جغرافی در گذشته یا تغییرات جغرافیایی در طول زمان اعم از این‌که در زمینه طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و انسانی باشد (گنجی، ۱۳۶۷: ۲۲۳). |
| محمود حریریان | جغرافیای تاریخی، قسمتی از جغرافیای انسانی است که از وضع زندگی بشر در ازمنه گذشته بحث می‌کند. مطالعه‌ی شهرهای باستانی، راه‌های ارتباطی، وضع کشاورزی، بازرگانان، اجتماعی با استفاده از نوشته‌های اداری و مشاهدات جغرافیایی می‌باشد (حریریان، ۱۳۵۶: ۸). |

منطقه دشمن‌زیاری از توابع شهرستان ممسنی در استان فارس است. وجود آثار باستانی و تاریخی هم‌چون؛ سنگ قبرها، قلاع، آثار بدست آمده و غیره، حاکی از پیشینه‌ی تاریخی این منطقه دارد، اما به دلیل عدم ثبت و بررسی، شناخت تاریخ منطقه مشکل شده است. اما می‌توان با کاوش‌های باستان‌شناسی و علمی به تاریخ آن پی‌برد. طبق گفته جغرافیدانان مسلمان هم‌چون ابن‌خردادبه، ابن‌بلخی نام این منطقه سابقاً تیرمردان بوده و آبادی‌های معروف آن: دیه‌گوز، حراره، کرکان و غیره بوده است. مجیدی از طوایف پهونده، بلمینی، کرکانی، گلگونی به نام طوایف تیرمردان نام می‌برد که تا دوره صفویه ساکنان سرزمین تیرمردان بوده‌اند (مجیدی، ۱۳۸۷: ۷۴). گویا این طوایف به دلایلی از این منطقه کوچانده و پراکنده شدند. وجود آثار چند شهر سوخته در منطقه نشان می‌دهد آبادی‌های تیرمردان در آتش سوخته است که در این باب نمی‌توان به یقین گفت، علت این آتش‌سوزی‌ها چه بوده است (حبیبی فهلیانی، ۱۳۷۱: ۳۱۳).

شاید تیرمردان که جزء شولستان بوده، در غلبه‌ی ابوسعید کازرونی که شولستان را قتل و غارت نمود و نوبندگان را به آتش کشید، مورد همین گونه رفتار قرار گرفته باشد، از طرف دیگر شاید محمود افغان که در حرکت خود برای به اطاعت درآوردن سران ایلات کهکیلویه و شولستان که ناکام ماند، در بازگشت این مناطق را آتش زده باشد. حبیبی فهلیانی آورده است که:

«محمود بعد از بازگشت به شیراز، غالب آبادی‌های شولستان را که در مسیر خود بود به تل خاک‌ستر مبدل کرد. به گمان زیاد آثار شهر ویران شده اوغون و دو قلات دشمن‌زیاری بازمانده خرابی‌های افغان‌ها باشد» (همان‌جا).



نقشه: حدود و پراکنندگی جغرافیایی لرهای ممسنی

در اواخر دوره صفویه، ایل دشمن‌زیاری از اصل طایفه خود جدا شد و به همراه سه ایل دیگر ممسنی به این منطقه کوچ کرده و نام خود را بر این منطقه گذاشتند. مرزهای جغرافیایی دشمن‌زیاری یا همان تیرمردان قدیم بسیار گسترده‌تر از مرزهای کنونی بوده است و شامل شعب بوان، بخشی از دشت شاهان جاوید، قلعه سفید و بخشی از سپیدان می‌شده است، اما در طی ادوار مختلف تاریخ، این مرزها تغییر پیدا کرده است و هر قسمتی از آن به طایفه دیگر تعلق گرفت. تغییرات مرزی سبب

گشته است تا نتوانیم بفهمیم که هر کدام از این بخش‌ها تا چه دوره‌ای جزو منطقه دشمن‌زیاری بوده‌اند، زیرا به‌طور دقیق مشخص نیستند و مورد شک و ابهام می‌باشند.

مسئله اصلی ما در این پژوهش این است که جغرافیای تاریخی منطقه دشمن‌زیاری در گذر زمان از منظر جغرافیدانان چگونه بوده است؟ همچنین، در خصوص پیدایش منطقه دشمن‌زیاری بر جغرافیای تاریخی منطقه دشمن‌زیاری انجام شده است و تنها مطالبی در منابع جغرافیایی دست اول هم‌چون فارسنامه ابن بلخی، معجم البلدان حموی، نزهة القلوب مستوفی و تواریخ محلی استان فارس، هم‌چون فارسنامه ناصری و آثار العجم فرست شیرازی، اطلاعات اندک و مختصری آمده است. در پژوهش‌های جدید هم از این منطقه تنها به صورت گذرا و به‌عنوان یکی از بخش‌های کوچک شهرستان ممسنی شرح کوتاهی آمده است. بنابراین پژوهش حاضر در نوع خود می‌تواند اولین اثر مستقل در این باب باشد.

این پژوهش از نوع بنیادی، روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است، و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی-میدانی انجام شده است. پژوهش حاضر تلاش دارد با تکیه بر اسناد تاریخی همچون گفته‌های جغرافیدانان، مورخان، سفرنامه‌نویسان، همچنین با کمک پژوهش‌های جدید و تحقیقات میدانی، به معرفی، بررسی و تحلیل جغرافیای تاریخی منطقه دشمن‌زیاری بپردازد.

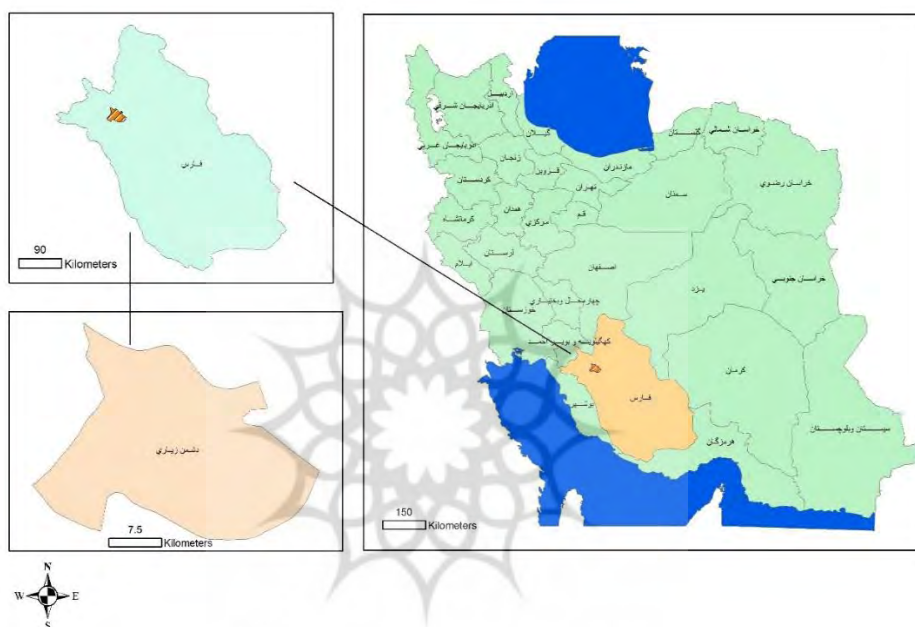
برای پی بردن به تاریخ هر منطقه بایستی ابتدا جغرافیای آن را شناخت، چرا که حوادث علاوه بر آن که در بستر زمان رخ می‌دهند، مهم‌تر آن که در بُعد مکانی نیز اتفاق می‌افتند. لذا در پژوهش پیش‌رو، ابتدا مختصری از جغرافیای طبیعی و سپس جغرافیای تاریخی و مسیرهای تاریخی منطقه دشمن‌زیاری پرداخته خواهد شد.

در این مقاله، روش‌های گردآوری اطلاعات به دو دسته تقسیم می‌شوند: روش‌های کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۶۳). پژوهش حاضر با روش تاریخی و اسنادی بر پایه منابع کتابخانه‌ای و پژوهش‌های جدید انجام شده است. همچنین از تحقیقات میدانی برای اثبات و تحلیل منابع کتابخانه‌ای استفاده شده که بعد از ارزیابی اطلاعات به تحلیل، رد و یا اثبات آن‌ها پرداخته شده است. از آن‌جا که مسائل تاریخی با محیط جغرافیایی در ارتباط متقابل است و از هم تأثیر می‌پذیرند لذا از روش‌های تحقیق مشترک استفاده می‌کنند:

- مشاهدات عینی، آشنایی با تاریخ محلی منطقه مورد نظر و مناطق اطراف
- بررسی آثار باستان‌شناسی و اسناد و مدارک موجود
- بررسی‌های قومی و فرهنگی
- استفاده از نقشه‌های جغرافیایی و نرم‌افزار جی‌آی‌اس
- تنظیم اطلاعات و مقایسه و تحلیل
- نتیجه‌گیری (بیگ محمدی، ۱۳۸۶: ۱۶ و ۱۷).

۲. جغرافیای طبیعی منطقه دشمن زیاری

منطقه دشمن زیاری با وسعت ۹۶۳/۷ کیلومتر مربع با موقعیت ریاضی بین طول جغرافیایی ۵۱ تا ۵۲ درجه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹ تا ۳۰ درجه شمالی در شمال شرق شهرستان ممسنی در استان فارس واقع شده است. این منطقه از جهت شمال به شهرستان سپیدان، از جهت شرق به شهرستان شیراز، از جهت جنوب غرب به شهرستان کازرون و از طرف غرب به بخش مرکزی شهرستان ممسنی منتهی می‌شود.



نقشه: موقعیت منطقه دشمن زیاری

این منطقه متشکل از دو دهستان به عنوان دشمن زیاری با مرکزیت روستای بنه دروازه یا دولت آباد و مشایخ با مرکزیت روستای مشایخ است. ۵۲ آبادی دارای سکنه دارد، ۲۱ آبادی در دهستان مشایخ و ۳۱ آبادی دیگر در دهستان دشمن زیاری واقع شده است. عوامل آب و هوایی و ناهمواری‌ها، نظام اجتماعی، نوع اقتصاد و معیشت، عوامل قومی، مذهب، آداب و سنن بصورت متقابل بر نحوه استقرار و زیست سکونتگاه‌های این منطقه تأثیرگذار بوده است (تکم، ۱۳۸۵: ج ۱/۱).

از لحاظ ویژگی‌های محیطی منطقه دشمن زیاری متشکل از تپه ماهورها و مناطق کوهستانی است، عموماً روستاها کم جمعیت و در دامنه‌های کوه‌ها و تپه‌ها استقرار یافته‌اند. به گونه‌ای که شغل بیشتر مردم دامداری و باغداری است. کشاورزی به صورت بسیار محدود در حد رفع نیاز خود

روستائیان است؛ به گونه‌ای که برای کشت گندم از تپه‌ها و برای کشت برنج از حواشی باریک رودخانه‌ها در دره‌ها استفاده می‌شود.

برای رسیدن به منطقه‌ی دشمن زیاری از شیراز سه مسیر پریچ و خم از میان جنگل‌های بلوط و کوه‌ها، و یک مسیر از بخش مرکزی ممسنی وجود دارد که به دلیل توپوگرافی منطقه جاده‌ها به صورت پریچ و خم هستند. مسیر نخست، در جاده شیراز به سپیدان بعد از شول سنگر فرعی در سمت چپ قرار دارد که این مسیر وارد بخش وَر آفتو [varafto] (رو به آفتاب) می‌شود. مسیر دوم در جاده شیراز به بو شهر بعد از خان زنیان سمت راست وارد فرعی شده که در ابتدای این مسیر دریاچه‌های زیبایی هفت برم هستند و با عبور از جنگل‌های در هم تنیده بلوط وارد بخش نِس [nesa] (رو به سایه) شده. مسیر سوم از طرف بخش مرکزی شهرستان ممسنی است این مسیر با عبور از تنگ بوان رویایی که به نقل از جغرافیدانان مسلمان یکی از چهار بهشت گمشده جهان اسلام است، وارد خاک دشمن زیاری می‌شود.

ارتفاعات واقع در این محدوده جزو سلسله جبال زاگرس است که به تبعیت از چین خوردگی زاگرس جهتی شمال غربی-جنوب شرقی دارند، ارتفاع از سطح دریا بین ۱۵۰۰ تا ۲۹۳۰ متر است. آب و هوای این محدوده تحت تاثیر توده‌های هوایی که از سمت غرب و جنوب غرب به کشور وارد می‌شوند از لحاظ بارندگی از وضعیت مناسبی برخوردار است و موجب افزایش تنوع اکوسیستم در منطقه می‌شود. اقلیم آن از نوع مدیترانه‌ای تا نیمه مرطوب است (محیط زیست، ۹۲: ۶-۹۶).

کوه‌های بلند دشمن زیاری عبارتند از: کوه تاسک با ارتفاع ۳۱۵۰ متر بلندترین کوه منطقه دشمن زیاری است. کوه نار با ارتفاع ۲۷۰۰ متر و کوه شازکی به ارتفاع ۲۶۰۰ متر که نسبت به کوه تاسک شیب کمتری دارند اما پهنا و درختان بیشتری دارند (تکم، ۱۳۸۵: ۱/۱۷).

ریزش‌های جوی مناسب، کوهستانی بودن و وجود سازنده‌های آهکی آسماری و رسوبات دریاچه‌ای، منطقه را از نظر آب‌های سطحی در وضعیت نسبتاً خوبی قرار داده است. آب‌های سطحی منطقه در قالب آبشار (آبشار حسنی پاچر و پاقلعه)، رودخانه‌ها (ده گردو، بوا، تیکل، بالمینگون، شور، فهلیان)، چشمه‌ها (سر او رو، کریکک، سیرم و غیره) و نهرها خودنمایی می‌کند.

در منطقه دشمن زیاری نزولات جوی بستر مناسبی برای حیات جانوری و ایجاد سایت جنگلی و مرتعی از گونه‌های مختلف گیاهی را فراهم نموده است (بلوط، زبان گنج شک، بنیو، کیکم و غیره). انواع گونه‌های گیاهی، درختی و درختچه‌ای منطقه باتوجه به شرایط ارتفاعی و جوی متنوع می‌باشند که هر کدام از ارزش خوراکی، دارویی، صنعتی و علوفه‌ای بالایی برخوردار هستند.

۳. تیرمردان و شعب بوان در آثار جغرافیدانان

در قرون اولیه اسلامی، جغرافیدانان بزرگی چون مقدسی، ابن بلخی، ابن حوقل و غیره از سرزمین تیرمردان عبور کرده و دره‌ی زیبای بوان را در کنار سغد سمرقند، غوطه دمشقی و نهر ابله یکی از جنات اربعه جهان اسلام دانسته‌اند. البته در مورد تیرمردان اطلاعات مختصری به ما می‌دهند. تنها ابن بلخی و حموی توضیحات بیش‌تری، آن هم از نظر موقعیت طبیعی و روستاهای سرزمین تیرمردان دارند. در این بخش اظهارات جغرافیدانان را به ترتیب زمانی آورده‌ایم.

۳-۱. سده‌های اولیه

ابن خردادبه در انتهای صحبت خود در مسالک الممالک در باب ناحیه شاپور و نوبندگان، نام تیرمردان را جزو بلاد شاپور برشمرده:

«روستاهای آن خشت و کماریج و کازرون و خره و بندر همان و دست بارین (دشت بارین) و هندبجان و درخوید و تنبوک و خوبدان و میدان و ماهان... و رامیجان و دینجان و شاهجان و موز و داذین و شادر و در بختجان و سیاه مص و آنبوران (انبوران) و خمارجان پائین و خمارجان بالا با تیرمردان است» همچنین در مورد شعب بوان گوید: «در آنجا درختان گردو، زیتون و سایر درختان میوه‌ای می‌روید که با زمین‌های سنگی و صخره‌ای سازگارند» (ابن خردادبه، ۱۳۷۰، ۳۵ و ۳۶).

اصطخری در مسالک الممالک فقط اشاره کوتاهی به این منطقه دارد: «تیرمردان بدون مسجد منبردار» اما در مورد شعب بوان توضیح بیش‌تری می‌دهد:

«شعب بوان نزدیک نوبندگان است بر دو فرسنگی، دیه‌های بسیار و آب‌های فراوان، چنان که آفتاب دشوار درو جهد. در همه پارس چنان تماشاگاهی نیست. سرد سیر باشد» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۳ و ۱۰۱).

ابن حوقل در وصف شعب بوان گوید:

«در نزدیکی نوبندگان شعب بوان قرار دارد و دیه‌ها و آب‌های فراوان و بهم پیوسته در حدود دو فرسخ از آن را فرا گرفته است و درخت‌ها دیه‌ها را پوشانیده‌اند چنانکه آدمی آن‌ها را نتوان دید مگر بدانجا درآید و این شعب از باصفاترین شعب‌های فارس است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۵۲).

جیهانی اولین جهانگرد جغرافی‌نگار ایرانی در توصیف شعب بوان آورده است:

«و به نزدیک نوبندگان مقدار دو فرسنگ شعب بوان تماشگه ولایت فارس، و خوشترین موضعی بدانجا، و از جمله سردسیر و ده‌های بسیار و آب‌ها و درختان برهم شده چنانکه مردم در آنجا روند از بسیاری درختان نتوان دید» (جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۱۷).

ابن بلخی در توصیف تیرمردان به ذکر وضعیت طبیعی آن پرداخته و اینگونه گوید:

«تیرمردان و چویکان هر دو جای نواحی است. دیه‌های بزرگ که هیچ شهر نیست و خراخه و دودمان و دیه‌گوز، از جمله‌ی آن‌ست و این نواحی در میان شکسته و نشیب‌افزارهای خاکین و سنگین بر مثال خرقان. اما آن‌جا دشوارتر و درشت‌تر است، و هوای آن سرد سیر و جمله نواحی درختستان است، و انواع میوه‌ها و بخصوص درختان جوز چندان است که آن را حدی نباشد، و به شیراز و دیگر اعمال جوز از آن‌جا برند و همچنین عسل بسیار باشد و جمله‌ی پستی‌ها و نشیب‌های آن ولایت به غله بکارند، بعضی که پشته‌ها و افزارها بخش باشد، و نشیب‌ها و پاریاب، آب‌های روان بسیار است، و این دیه خراخه از بهر آن گویند که آبی از کنار دیه در نشیبی عظیم می‌افتد و آوازی بلند می‌دهد که به تازی بانگ آن را (خریرالماء) گویند. و این ابونصر پدر باجول و دیگر پیوستگان از تیرمردان بوده‌اند، و مردم آن ولایت همه سلاح‌ور و شب و روز دزد باشند، و نخجیرگاهی است سخت نیکو...» (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۴۵).

ابن بلخی از سه روستا به نام‌های: خراخه، دودمان و دیه‌گوز نام می‌برد که امروزه خراخه همان کَلگه شیراز می‌باشد و در دو کیلومتری شمال شرقی تل‌نار و تل‌انجیری قرار دارد. دودمان در محلی به نام سردو در پائین کوه سرک مشرف بر دشت دودمان واقع شده است. اما دیه‌گوز همان ده‌گردو می‌باشد که بین تیروتاج و کلاه سیاه قرار دارد. همچنین از ابونصر تیرمردانی می‌گوید که قلعه سفید را تعمیر کرده بود (مجیدی، ۱۳۷۱: ۸۰). ابن بلخی هم چنین شعب بوان را به خوبی شرح داده:

«شعب بوان از نواحی نوبنجان است و صفت آن چنین است، کی دره عظیم است در میان دو کوه طول آن سه فرسنگ و نیم در عرض یک فرسنگ و نیم و هواء آن سرد سیری است کی از آن خوشتر نتواند بودن و جمله دیه بر دیه است و رودی بزرگ در میان همی‌رود چنان که از آن سبکتر و گوارتر نباشد و بیرون از آن دیگر چشمه‌های نیکوست و از سر دره تا پائین دره طول و عرض همه درختستان میوه است چنان‌که آفتاب بر زمین نیفتد و میوه‌ها باشد نیکو از همه‌ی انواع و اگر مردی از اول آن تا آخر برود آفتاب بر وی نیفتد و سال تا سال بر سر آن دو کوه برف باشد» (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۵۰).

یاقوت حموی با ذکر جزئیات و اسامی تعدادی از روستاها در باب تیرمردان می‌نویسد:

«تیرمردان آبادی کوچکی است در فارس واقع در بین نوبنجان و شیراز. کوره متعلق به آن شامل سی قریه کوهستانی می‌شود. برجسته‌ترین آبادی‌ها که تا اندازه‌ای می‌توان گفت محل اصلی از آن متشکل است شش قریه‌اند که در دره‌ای پُر درخت که نهرهای بسیاری آن را مشروب می‌کند در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. اسم این شش قریه عبارتند از: استکان، مهرکان، رونجان، کوچان و ... و قیرانشاه. در رونجان خانقاه زیبایی است برای صوفیان. همچنین این قریه مهم‌ترین و زیباترین قریه است و در روزگار قدیم مرکز تمام ناحیه بشمار می‌رفت. در قیرانشاه شیخ و عمالی که آن منطقه را زیر نظر دارند مقیمند» (حموی، ۱۳۰۶: ۹۰۵).

حموی از روستاهای استکان، مهرکان، رونجان، کوچان و قیرانشاه نام می‌برد. استکان همان روستای تل‌نار دشت‌شاهان جاویدماهوری، مهرکان همان روستای مهرآباد دشت‌شاهان جاوید،

رونجان در محلی به نام درونجان یا همان آبادی چاتوت بر سر بزرگراه شیراز به نورآباد، کوجان یا کرجان همان کرکان فعلی بر مسیر دشمن‌زیاری به نورآباد، قیرانشاه که مرکز رؤسای طوایف تیرمردانی بوده در کنار رودخانه ده‌گردو بین کلاه‌سیاه و مشایخ قرار دارد که امروز به محل برنجکاری تبدیل شده، اما نام نهر که قیراسه یا قیرانشاه هست هنوز باقی است (مجیدی، ۱۳۷۱: ۸۱ و ۸۲).

فَشَيْبَ بَوَّانٍ فَوَادِي الرَّاهِبِ فَثَمَّ تَلْقَى أَرْحُلَ النَّجَائِبِ
(حموی، ۱۹۹۵: ۵۰۳)

تنگ بوان وادی زاهدان و راهبان است و در آنجا کجاوه‌ی شتران نجیب مرکب‌های نجیب فرود آمده. احمد پسر حمدانی، ابن‌فقیه، شعب بوان در فارس را از جمله زیباترین جاها در گذشته و حال بر می‌شمارد و می‌نویسد:

«از ارجان تا نوبندجان بیست و شش فرسنگ است و در این میان شعب بوان افتاده است. در شعب بوان درختان گردو و زیتون و گونه‌گونه میوه‌ها از دل صخره‌ها روئیده است» (همدانی، ۱۳۴۹: ۱۳).

حمدالله مستوفی در نزه‌القلوب این‌گونه در باب تیرمردان آورده است:

«تیرمردان و جوگان دو ناحیه است و دیه‌های بزرگ دارد و در میان شکست‌ها و شیب و بالای خاکبست و هوایش سردسیر است به اعتدال مایل و درو درختان و انواع میوه‌هاست و خصوص جوز که بسیار با شد و اکثر غله ایشان دیمی با شد و اندکی آب و در آن ولایت نخجیر نیکو باشد و مردم آن‌جا سلاح‌ورز باشند و دزد و شبرو چنانکه در یک شب قریب بیست فرسنگ راه بروند» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۲۷).

جوگان یکی از بخش‌های شهرستان نوبندگان و سپس شولستان بوده در جوار تیرمردان و دارای موقعیت کوه‌ستانی همانند تیرمردان بوده است. اما تو صیف همین نویسنده در مورد شعب بوان:

«و شعب بوان از مشاهیر منزعات جهان است، دره ایست در میان دو کوه، طولش سه فرسنگ و نیم و عرض یک فرسنگ و نیم. همه درختستان است به انواع میوه‌ها، و هوائی در غایت خوشی و اعتدال، و در آنجا دیه‌های فراوان، و در میان دره رودی بزرگ روان است، و بر هر دو طرف آن کوه‌ها اکثر اوقات از برف خالی نبود، و در این عرصه مذکور قطعا از کثرت درختان آفتاب بر زمین نتابد و چشمه سارهای بسیار و آبهای زلالست و حکما گفته‌اند که من محاسن الدنيا اربعة: غوطه دمشق و سغد سمرقند و شعب بوان و مرج شیدان و از این چهار موضوع دو موضوع شعب بوان و مرج شیدان از ملک فارس است» (همان، ۱۲۹).

۲-۳. سده‌های میانه

لسترنج در مورد تیرمردان گوید:

«در یک منزلی شهر نوبندگان سر راه شیراز شهر کوچک تیرمردان در میان شش دهکده که بزرگترین آن‌ها کرجن یا جرن بود قرار داشت و فاصله آن تا نوبندگان پنج فرسخ بود. این ناحیه بسیار شاداب و حاصلخیز بود و عسل فراوان از آن جا صادر می‌گردد» (لسترنج، ۱۳۷۷، ۲۸۶).

اما لسترنج ابتدا در اشاره‌ای به دره بوان به تیرمردان اشتباه می‌کند و می‌گوید، آب این دره به رود کر می‌ریزد درحالی‌که رود کر در منطقه مرودشت و کامفیروز جاریست که در اینجا دو احتمال وجود دارد، یا لسترنج اسم رود را اشتباه گفته یا اینکه منظورش از شعب بوان بهشت گمشده منطقه کامفیروز بوده است، که در صورت فرض دوم بیانش درست بوده و آب دره به رود کر می‌ریزد:

«از دو فرسخی نوبندگان دره‌ی معروفی که مسلمانان آن را یکی از جنات اربعه‌ی دنیا می‌شمردند، یعنی شعب بوان، آغاز می‌شود که آب‌های آن به رود کر واقع در ولایت اصطخر می‌ریزد، طول این دره سه فرسخ و نیم و عرض آن یک فرسخ و نیم است. در خرمی و شادابی آن نظیری نبود» (همان‌جا).

شمس‌الدین دمشقی در کتاب *نخبه‌الدهر فی عجائب البر و البحر* در باب شعب بوان می‌نویسد:

«گویند نیکوترین جاه‌های جهان چهارند: نخست، شعب بوان که در سرزمین‌های شاپور واقع و طول آن دو فرسنگ است که درختان بر روی تپه‌های بهم پیوسته و رودها در میانه‌ی آن شهر روان گشته است و این شعب به بوان پسر ایرج پسر فریدون منسوب است» (دمشقی، ۱۳۵۷: ۳۰۲).

۳-۳. سده‌های متأخر

علی نقی منزوی در ترجمه‌ای که بر کتاب *معجم البلدان* یاقوت حموی نوشته، همین مطلب یاقوت حموی را از تیرمردان و در جایی دیگر شعب بوان را توضیح بیش‌تری می‌دهد:

«شهرکی در بخش‌های فارس میان نوبندگان و شیراز است. خوره‌ای دارای سی و سه ده در کوهستان، رو ستاهای آبادان که این شهرک مرکز آن‌ها ست (منظور تیرمردان). شش دیه بهم پیوسته در دره‌ای است که نهرها و درخت بسیار دارد. نام این شش دیه چنین است: ۱- استکان ۲- مهرکان ۳- رونجان که در آنجا خانقاهی زیبا از آن صوفیان است و آنجا برجسته‌ترین این ده‌ها و بهترین آن‌ها در گذشته مرکز آنجا بوده است ۴- کوچان که ظهیر فارسی بدانجا نسبت دارد. و ابوالمعالی عبدالسلام پسر محمود پسر احمد است. فقیه، خوش قرائت، حکیم معروف و فیلسوف بود. او در موصل به مدرسه تدریس می‌کرد و خود بازرگانی ثروتمند بود که به هر شهر در می‌آمد گرامی داشته می‌شد. او جهانگرد بود و به مجالس گوناگون مناظره حاضر شده و بر دشمنان چیره

گشته بود، در پایان کار در مصر بود و من شنیدم که نورالدین ارسلان شاه پسر عزالدین مسعود پسر زنگی فرمانروای موصل او را از مصر بخواست تا وزارت خویش بدو واگذارد. پس چون به حلب رسد ابوالفتح نصر پسر علی جرزی موصلی صاحب دیوان استیفای موصل حلوی برای او آورد. وی و غلامانش از آن حلوا خورده همگی درگذشتند و این به سال ۵۲۶ بود. پس ملک ظاهر دارایی و کتاب‌های او را بگرفت. وی عادت داشت همه کتاب‌ها و دارایی خود را بر شتران بستی به هر کجا که می‌رود همراه ببرد. ۶- ششمین ده قیرانشاه است که سران روستا و پیشوایانشان در آنجا می‌زیند» (منزوی، ۱۳۸۰: ۷۸۵ و ۷۸۶).

«بوان (ب و وا) نام سه جایگاه است که معروف‌ترین آن‌ها شکاف دره «بوان» در فارس، میان ارجان و نویندگان است که یکی از گردشگاه‌های جهان بشمار آید. مسعودی درباره اختلاف دانشمندان در تبار فارس‌ها گوید: ایشان از فرزندان بوان پسر ایران، پسر اسود پسر سام، پسر نوح علیه السلام هستند. و این همان بوان است که دره بوان بدو نسبت دارد که یکی از گردشگاه‌های معروف به زیبایی و فزونی درختان و جویبار و پرندگان است. بسیاری از دانشمندان آن را گردشگاه‌های جهان شمرده‌اند. برخی گویند بهشت جهان در چهار جا است: غوطه دمشق، سغد سمرقند، دره بوان، رودخانه ابله، که غوطه دمشق از همه برتر است» (همان، ۶۴۷).

با توجه به اظهارات جغرافی‌دانان در باب سرزمین تیرمردان، می‌توان گفت تیرمردان سرزمین وسیعی را شامل می‌شده و به نام یکی از طوایف ساکن در آن‌جا به نام تیرمردان شهره بود. این جغرافی‌دانان تنها به ذکر نام تیرمردان پرداخته و اطلاعات چندانی به ما نمی‌دهند. تنها ابن بلخی و حموی با ذکر نام رو ستاها و وضعیت طبیعی جزئیاتی را بر ما روشن کرده و تیرمردان را سرزمینی کوهستانی با انواع درختان میوه، عسل فراوان، شکارگاه‌های خوب معرفی کرده‌اند. اما تقریباً بیشتر همین جغرافیدانان شعب بوان را به طور مفصل توضیح داده‌اند و همگی بر این نکته تأکید دارند که؛ از انبوهی درختان گرمسیری و سردسیری آفتاب بر زمین نمی‌تابد و این دره را در کنار سغد سمرقند، غوطه دمشق و نهر ابله یکی از جنات اربعه جهان اسلام دانسته‌اند.

۴. جغرافیای دشمن زیاری

در باب وجه تسمیه نام دشمن زیاری باید بیان داشت: دشمن زیار از بزرگان دیالمه ری و همدان و اصفهان در قرن چهارم هجری. وی پدر علاءالدوله محمد اولین، از دیالمه کاکویه به اصفهان، کردستان و پسر دئی مجدالدوله دیلمی و دئی سیده خاتون بود. او را به دیلمی کاکویه می‌گفتند. و کاکویه در این زبان همان معنی خال عربی و دئی را در فارسی امروزی دارد (دهخدا، ۱۲۷۳: ۷/۹۵۹۵).

ح سینی ف سایی در فارسنامه ناصری، که تقسیمات ثبت شده در آن مرزهای جغرافیایی عهد صفوی به بعد است، روستاها، کوه‌ها و رودهای منطقه دشمن‌زیاری را اینگونه بیان می‌کند:

«تمام این ناحیه مشتمل است بر شانزده قریه خراب و آباد: پل مورد، ۴ فرسخ میانه جنوب و مشرق فهلیان است. تنگ رودیان، ۹ فرسخ و نیم میانه جنوب و مشرق فهلیان. توکل آباد سفلی، ۱۱ فرسخ میانه جنوب و مشرق فهلیان. توکل آباد علیا، ۱۲ فرسخ میانه جنوب و مشرق فهلیان. توکل آباد وسطی، ۱۱ فرسخ میانه جنوب و مشرق فهلیان. تیرمردان، ۱۰ فرسخ میانه جنوب و مشرق فهلیان. تی کل پایین، همان توکل آباد سفلی است. تی کل بالا، همان توکل آباد علیا است. تی کل میانه، همان توکل آباد وسطی است. ده بوا، ۱۱ فرسخ و نیم میانه جنوب و مشرق فهلیان. ده گپ، ۶ فرسخ میانه جنوب و مشرق فهلیان. راشکی، ۵ فرسخ و نیم میانه جنوب و مشرق فهلیان. رودبال، ۸ فرسخ میانه جنوب و مشرق فهلیان. علی آباد، ۷ فرسخ میانه جنوب و مشرق فهلیان. سالاری، ۵ فرسخ میانه جنوب و مشرق فهلیان. هرجان، ۱۰ فرسخ و نیم میانه جنوب و مشرق فهلیان» (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۱۵۶۳).

رودخانه شش پیر اردکان: آبش شیرین و گوارا، آب چشمه شش پیر و آب چشمه تنگاب سرد در نزدیکی قریه شهداء اردکان بهم پیوسته رودخانه شش پیر گشته، در پل دوزخ ناحیه دشمن زیاری ممسنی به آب رودخانه شیر پیوسته بعد از فرسخی بیشتر به آب چشمه تاسک آمیخته بعد از چهار فرسخ در قریه چوگان ناحیه جاوید ممسنی به آب چشمه کل پیوسته رودخانه پل مورد می شود (همان، ۲/۱۰۶۹)

رودخانه شیر مه سننی: آبش شیرین و گوارا از چشمه یوزجان برخاسته در پل دوزخ ناحیه دشمن زیاری ممسنی به رودخانه شش پیر پیوسته چون به پل مورد رسد رودخانه پل مورد گردد (همان ۲/۱۶۱۰).

رودخانه فهلیان مه سننی: آبش شیرین و گوارا، آب چشمه تاسک به رودخانه شش پیر و رودخانه شیر پیوسته، رودخانه پل مورد گشته از کناره قلعه سفید مه سننی گذشته، رودخانه فهلیان شود و چون از کناره قصبه فهلیان بگذرد و به رودخانه ممسنی پیوسته در قریه پشتکوه ناحیه باوی کوه گیلویه آن را رودخانه زهره گویند (همان، ۲/۱۶۱۱).

در توضیح این سه رود لازم به ذکر است، رود شش پیر و رود شیر از کوه‌های سپیدان سر چشمه گرفته نزدیک روستای آب گرم که سابقاً متعلق به دشمن زیاری بوده و اکنون جزو سپیدان است، یکی شده (پل دوزخ) وارد منطقه دشمن زیاری می شود، از طرف دیگر بالاتر از روستای حمزه بیگی، رودهای ده گردو و مشایخ یکی شده و بعد با رود شور ترکیب گشته وارد تنگ رودیان شده به آب رود شیر و توکل آباد می پیوندد و در پل مورد ناحیه جاوید که باز هم سابقاً جزو دشمن زیاری بوده به آب آن جا وصل می شود و در نهایت رود فهلیان را تشکیل می دهند.

رود سکان: رود سکان از روستای رویجان خیزد از دهی که شاذفری خوانند، کشت را آب دهد و از آنجا کشت روستای سیاه را آب دهد و از آن جا به کوار و به ناحیت خبر و به ناحیت صیمکان و کارزین و باده شل و همه نواحی را آب دهد و پس به دریا افتد. و هیچ دریا در پارس از این آبادتر

نبا شد (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۰۸). دیگر رود ثکان، منبع این رود از دیهی است نام آن جترویه و این دیه و ناحیتی را کی معروف است به ما صرم از اعمال شیراز، آب دهد ... (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۶۴). دیگر رود سکان است که در روستای رویجان از قریه‌ای به نام شاذفری بیرون می‌آید و کشتزارها را آبیاری می‌کند و به روستای سیاه سرازیر می‌شود ... (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۵).

رود قره‌آقاچ که در منابع جغرافیایی تاریخی از آن به نام سکان و ثکان یاد شده، از دامنه کوه تاسک دشمن‌زیاری در جایی به نام تَشَه‌بَرَقی سرچشمه می‌گیرد و در مسیر خود آب‌های دیگری به آن وارد شده و در آخر با نام رودخانه مند، به خلیج فارس می‌ریزد. در هر منطقه این رود به نامی معروف است.

کوه تا سک: میانه بلوک ممسنی و بلوک کوه‌مره شکفت است (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۶۳۴).

کوه نار: میان ناحیه دشمن‌زیاری ممسنی و بلوک کوه‌مره شکفت است (همان، ۲ / ۱۶۳۶).

چشمه یوزخان: از ناحیه دشمن‌زیاری ممسنی، فرسخی شمالی ده کت است (همان، ۲ / ۱۵۹۹).

چشمه تاسک: از ناحیه دشمن‌زیاری از بلوک ممسنی، فرسخی جنوبی ده بوا است (همان، ۲ / ۱۵۹۲).

چشمه کان‌زرد: از ناحیه دشمن‌زیاری بلوک ممسنی از ۲ فرسخ جنوبی ((ده بوا)) برخاسته است (همان، ۲ / ۱۵۹۶).

آب چشمه کان‌زرد و آب چشمه چهل چشمه کوه‌مره و چشمه سرخرک در قریه زنیان کوه‌مره شکفت به هم پیوسته رودخانه قره‌آقاچ شود ... (حسینی‌فسایی، ۱۳۶۷: ۲ / ۱۶۱۱). علی رزم‌آرا در مورد این رود نوشته است:

«رودخانه قره‌آقاچ از کوه‌های اردکان و شمال ممسنی سرچشمه گرفته پس از مشروب نمودن بلوک ممسنی، کوار، خفر، خواجه، فیروزآباد، قیروکارزین، افزر به خاک دشتی وارد و به نام رود مند به خلیج فارس می‌ریزد» (رزم‌آرا، ۱۳۲۳: ۹).

رزم‌آرا در کتاب جغرافیایی نظامی خود ابهاماتی در باب منطقه دشمن‌زیاری دارد که نیاز به تحقیقات بیشتر دارد به‌عنوان مثال می‌گوید: «رودخانه قره‌آقاچ از کوه‌های اردکان و دشمن‌زیاری سرچشمه می‌گیرد» (همانجا). در حالیکه این رود هیچ اتصالی به کوه‌های اردکان ندارد و دیگر آنکه گوید، رود شاپور از کوه‌های دشمن‌زیاری سرچشمه می‌گیرد در حالیکه بین رود شاپور و کوه‌های دشمن‌زیاری، کوه‌های کهمره قرار دارد:

«رودخانه شاهپور از کوه‌های دشمن‌زیاری سرچشمه گرفته پس از مشروب کردن اراضی بلوک شاهپور و قسمتی از خشت در اراضی دشتستان پس از الحاق رودخانه شور دالکی به نام رود حله وارد فارس می‌شود» (همانجا).

روستاهای دشمن‌زیاری تا سال ۱۳۷۰ هجری شمسی عبارتند از: آب بید بان، آب زالو، آب انار، آقاجان توکل، آب بید دشمن‌زیاری، اردشیری علیا و سفلی، اسکندر بیگی، برم جمال، بله زار علیا و سفلی، بابا صاحی، بلوطک، بالمنگون، بلمینی، پربنار، پاشیب، پرحسینی، پاقلعه، پل خدا آفرین، تلخاب شاه‌یجان، جلیل‌آباد، تنگ سراب، تنگ کبوتری، مورگاه بابا منیر، حیدرآباد بابا منیر، حاجی‌آباد، سر رود، کاکلندر، تنگ رودیان، تیشه‌گری، جولون، کل‌نارک، دشت گل، چشمه آبگور، چشمه ممویی، چشمه سردو، چناران، چشمه تلخ، چم‌امامزاده، چشمه دزدان، کلگه، دهنو، چشمه دره، حسنی سنگ بزرگ، حسنی پاچر، حمزه بیگی، دره شور، تیکل، گرم‌مکان، گلگون، کلگه، گود تلخ الماس، گرکدو، مشایخ، هرایجان، حبیب‌آباد، میرزا محمدی، سه‌گاه، دره لیشه، دولت‌آباد، گور اسپید، دهنو مراد‌آباد. بعضی از این روستاها به‌خاطر زلزله جابجا شدند و در بعضی موارد خالی از سکنه شدند و امروزه جای کشت و زراعت می‌باشند.

ایلامی، طوایف دشمن‌زیاری را به دو دسته سردسیری و گرمسیری تقسیم کرده است: که قسمت سردسیری شامل این طوایف: رود شوری، بخشی، محمودی که جمعاً به بهاء‌الدینی معروفند، یار امیری، تیر تاج، گلگونی، کلاه سیاه، بابائی، سه‌م‌الدینی، بابا شمس‌الدینی، حسنی، اردشیری، مال‌کید، تنگ رودیان، علی‌آباد، آب‌گرم، هرایجان. قسمت سردسیری هم شامل کوه پیر که خود چند تیره کوچک مانند گلگونی، مله‌ای، مالکی، بریزک‌دونی، سوم‌بری (ایلامی، ۱۳۹۲: ۲۰۷).

طبق این گفته‌ها بر ما روشن شد، اول این که مرزهای دشمن‌زیاری تغییر پیدا کرده است و دوم، اسامی بعضی از کوه‌ها و چشمه‌ها عوض شده است و مرزهای این سرزمین نسبت به مرزهای اولیه‌اش که تیرمردان نام داشت، کاهش پیدا کرده است. این تغییرات مرزی در گذشته به قدرت و درگیری‌های قومی مربوط بود؛ اما از دوره قاجار تقریباً تحت کنترل دولت بود. سوم این که در آن زمان اطلاعات جغرافیایی ثبت شده گاهی همراه با اشتباه و یا نبود اطلاعات دقیق بوده است.

۵. مسیرهای تاریخی

منطقه دشمن‌زیاری (تیرمردان) در مسیرهای ارتباطی مهمی که از شیراز به ارجان، خوزستان و جنوب منتهی می‌شد، قرار گرفته بود. جغرافیدانان مسلمان این مسیرها را با کمی تفاوت در مسافت‌ها ذکر کرده‌اند. در این بخش به مسیرهایی که از منطقه تیرمردان عبور کرده می‌پردازیم.

ابن‌خرداد به در مورد راه خوزستان که در ارجان به منطقه فارس وارد می‌شود آورده است:

«پنج فرسنگ داسین، شش فرسنگ بندک، شش فرسنگ خاند، چهار فرسنگ درخوید، هشت (یا شش) فرسنگ نوبندجان، پنج فرسنگ کرجان، هفت فرسنگ خواره، پنج فرسنگ جوین، پنج فرسنگ شیراز، بین داسین و بندک عقبه الفیل، بین نوبندجان و کرجان دره بان، بین کرجان و خواره عقبه الطین قرار دارد» (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۳۵).

گزارش ابن حوقل از جاده شیراز به ارجان (کهکیلویه):

«از شیراز به گویم، پنج فرسنگ. و از آنجا تا قریه خلار، چهار فرسنگ. و از آنجا تا حراره که دهی بزرگ و کم آب است، پنج فرسنگ. و از آنجا تا کرگان، پنج فرسنگ. و از آنجا تا شهر نوبندگان، شش فرسنگ. و از آنجا تا قریه خویندان، چهار فرسنگ. و از آنجا تا قریه درخید، چهار فرسنگ. و از آنجا تا قریه خاند، چهار فرسنگ. و از آنجا تا قریه بندک (سرآب بندک)، چهار فرسنگ. و از آنجا تا قریه عقارب موسوم به هیر، چهار فرسنگ. و از آنجا تا راشترین (لیشتر)، چهار فرسنگ. و از آنجا تا ارجان، چهار فرسنگ» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۵۴).

گزارش مقدسی از جاده شیراز به نوبندجان:

«از شیراز گرفته تا دیه جویم (گویم). سپس تا خلار، دو برید. سپس تا حراره، دو برید. سپس تا جرکان (کرکان)، یک مرحله. سپس تا نوبندگان، یک مرحله و دره بان که یکی از گرد شگاه‌های جهان به شمار می‌رود در آن جاست» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۷۴ و ۶۷۵/۲).

اصطخری، مسیر از شیراز به ارغان یا همان ارجان را اینگونه گوید:

«از شیراز به شهر جویم پنج فرسنگ، از جویم تا دیه خلان چهار فرسنگ، از خلان تا خواره پنج فرسنگ، و از خواره تا کرکان پنج فرسنگ، از کرکان تا نوبندجان شش فرسنگ، از نوبندجان تا خوران چهار فرسنگ، از خوران تا درخید چهار فرسنگ، از درخید تا خان حماد چهار فرسنگ، از خان حماد تا بندک هشت فرسنگ، از بندک تا دیه عقارب کی هیر گویند. چهار فرسنگ، و از هیر تا راسین چهار فرسنگ، از راسین تا ارجان هفت فرسنگ، از ارجان تا بازار سنبل ۶ فرسنگ. و حد آن پل تکان است. از ارجان تا بالای آن. جمله این از شیراز تا ارجان شصت فرسنگ باشد» (اصطخری، ۱۳۴۰، ۱۱۶ و ۱۱۷).

مستوفی همین مسیر را این گونه می‌نویسد:

«ثم من شیراز الی نوبندجان: از شیراز تا جویم پنج فرسنگ، ازو تا خلار پنج فرسنگ، ازو تا خواره پنج فرسنگ، ازو تا گوز از حساب تیر مردان چهار فرسنگ، ازو تا کرکان سه فرسنگ، ازو تا نوبندجان سه فرسنگ، جمله باشد از شیراز تا نوبندجان بیست و پنج فرسنگ» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۸۹).

ابن بلخی از شیراز تا سر حد خوزستان را شصت و دو فرسنگ می‌داند:

«منزل اول جویم (گویم): پنج فرسنگ. منزل دوم خلار: پنج فرسنگ. منزل سوم حراره: پنج فرسنگ. منزل چهارم دیه گوز (ده گردو) از تیر مردان: چهار فرسنگ. منزل پنجم کوسنجان

(گوسنگان): سه فرسنگ. منزل ششم نوبندگان(نوبندگان): سه فرسنگ. منزل هفتم خوبدان(شاه حسنی): چهار فرسنگ. منزل هشتم: کشن، شش فرسنگ. منزل نهم: گنبد ملغان، پنج فرسنگ. منزل دهم: صاهه، چهار فرسنگ. منزل یازدهم: جس، چهار فرسنگ. منزل دوازدهم: فرزک، شش فرسنگ. منزل سیزدهم: ارجان، چهار فرسنگ. منزل چهاردهم: بوستانک، چهار فرسنگ» (ابن بلخی، ۱۳۷۴ : ۳۸۴).

نقشه روسی از جایی به نام کرمان واقع در شرق نوبندگان نام می‌برد. در نقشه انگلیس بجای آن هریمان ذکر شده که آن هم در شرق نوبندگان ولی در غرب شاپور است. توقفگاه کرک که مقدسی آن را در نیمه راه بین شاپور و دشت ارژن ذکر می‌کند، به کرجان واقع در راه ارجان-شیراز مسلماً نزدیک بوده و شاید در همان دره هم قرار داشته، ولی به هر حال نمی‌توان به سهولت آن دو را یکی شمرد، بلکه باید آن را در جنوب شرقی کرجان جستجو کرد (شوارتس، ۱۳۸۲ : ۲۲۸).

شوارتس باتوجه به این نکته توضیح می‌دهد که به نظر می‌آید که نزدیک عقبه‌الطین، دومین رشته اصلی قطع شده باشد. حراره را اصطخری، دهی بزرگ با آب کم می‌نامد. شنونده از این اسم به یاد صدای شرشر آب، یا چشمه، یا آبشار می‌افتد، شاید مراد اصطخری کمبود آب آشامیدنی باشد. پس احتمالاً درست این است که این آبادی را در حوالی تنگ رودیان جستجو کنیم که در آنجا آب شور جاری است و به کار آشامیدن نمی‌آید. همچنین آبشارهای بلند نیز در قسمت شمالی این دره جاری است. اما بر حسب نقشه این امکان که بتوان راه گریزی به طرف جنوب در جهت نوبندگان پیدا کنیم به کلی منتفی است، پس ممکن است که راه نوبندگان در ازمنه‌ی قدیم در تنگ علی آباد به طرف شمال امتداد داشته است. ابن خردادبه منحصرأ رقم مسافت هفت فرسنگ را ذکر کرده و اصطخری آن را فقط پنج فرسنگ می‌داند. توصیف روش اصطخری مبنی بر این که خاراه دهی است، حاکی از این است که با وجود بزرگی باز نمی‌توانسته وسعت آن به فرسنگ‌های بالغ باشد. در کتاب وی از توقفگاه خلار که قدامه، اصطخری و مقدسی ذکر می‌کنند خبری نیست، مسافت از خاراه پنج فرسنگ و از جویم چهار فرسنگ امکان دور زدن خلار وجود دارد: حتی جاده‌ی فعلی نیز از مغرب آن از طریق شول می‌گذرد، اما در این مورد مسافتی که ابن خردادبه ذکر می‌کند باز مشکوک است و اختلاف چهار فرسنگ را با آن رفع نمی‌توان کرد، پس باید به این فکر افتاد که در اثر ابن خردادبه افتادگی وجود دارد: خاراه پنج فرسنگ، خلار ۴ فرسنگ، جویم (پاول شوارتس، ۲۲۸ و ۲۲۹).

حراره همان کلهگه شیراز می‌باشد که امروزه جزو منطقه جاوید است و نمی‌توانسته در تنگ رودیان باشد همچنین ابن حوقل گفته حراره دهی است با آب کم؛ نه اصطخری، شاید شوارتس در اینجا دچار اشتباه شده باشد، زیرا آب شور به تنگ رودیان نمی‌رسد و قبل از دره با آب شیرین رودهای ده‌گردو و مشایخ مخلوط و یکی می‌شود. البته در کتاب راه‌های باستانی و پایتخت‌های غرب ایران هم اشتباه دیگری رخ داده و آن این که قلعه ملا سو سن را در تنگ رودیان می‌داند؛ جایی که

اسکندر از آنجا عبور کرده، در حالی که اسکندر از پل مورد گذشته و قلعه ملا سوسن در آنجا است شاید هم اسامی عوض شده باشد و احتمالاً در آنجا هم دره‌ای به نام تنگ‌رودیان بوده باشد.

مجیدی کرائی در شرحی بر این مسیر، که اکثر جغرافیدانان مسلمان از آن عبور کرده‌اند می‌نویسد: منزل اول آن از شیراز آغاز و سپس به شهرک گویم که در آنجا کاروان‌سرای که آثارش هنوز باقی است و در عصر صفویان مرمت و تعمیر شده می‌رسد و از آنجا به طرف دومین منزل، خلار. عبور از طریق گردنه و تپه‌های کوهستانی به دشت همایجان وارد و پس از گذشتن از محل چهار بازار منطقه رودبال همایجان (دشمن‌زیاری) در کاروان‌سرای پل جوزق (چوزک) که در این زمان پل اردشیری خوانده می‌شود وارد و از این طریق به طرف جنوب باختری به سوی منطقه حراره که روستائی کم آب بوده و محل آن با روستای کلگه شیراز مطابقت می‌کند، پس از پیمودن مسیری کوهستانی و جنگلی و عبور از روی پل ارتباطی کوچک و بزرگی که بر روی دو دره (گورک) و (آب تپو) و آثارشان باقی است، به منزلگاه حراره می‌رسید که در آنجا جاده به دو شاخه گوسنگان و دره بوان و نوبندگان تقسیم می‌شد.

شاخه مورد بحث پس از رسیدن به حراره نیز دو قسمت می‌شد که یکی از طریق دره رودخانه خشک حراره که محلین آن را حرار گویند و آثار و بنای کوچک کاروان‌سرای سنگی و لاشه‌ای بدون ملات و چاهی بزرگ که کاروانیان از آن آب مورد نیاز خود را تأمین می‌نمودند موجود است، بسوی کاروان‌سرای روستای کرکان می‌رفت که داری کاروان‌سرای بوده که آثار آن تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی در جوار مدرسه ابتدائی آنجا وجود داشته و از آن به بعد بوسیله اهالی تخریب و مصالح آن در بنای مدرسه‌ای بکار می‌رفته است، عبور و به طرف دره‌ی بوان و نوبندگان می‌رفت و شاخه‌ای دیگری از این جاده از راه گردنه‌ی تل‌انجیر که مقدسی شامی آن را (عقبه‌الطین) یعنی گردنه‌ی انجیر ضبط کرده است به سوی مهرآباد و چاه‌توت ادامه‌ی طریق می‌داده است. این جاده به دو شاخه تقسیم شده که یکی از چاه‌توت به طرف روستای تنگ آب که به گردنه سپید به محل کاروان‌سرا وارد، از روستای ده‌بید جاوید عبور و به نوبندگان می‌رسید. شاخه دیگر این جاده از روستای چاه‌توت به طرف دره بوان و بعد به نوبندگان می‌رسید (مجیدی، ۱۳۷۱: ۱۰۱ و ۱۰۲).

از طرف شوش، راهی که به شیراز می‌آید از پل پیرین وارد خاک ممسنی، محل فعلی طایفه رستم، می‌شود تا می‌رسد به پلی که در این وقت معروف به پل فهلیان می‌باشد. و این هر دو پل زمان‌های زیادی به هر حال خراب بودند تا در سال ۱۳۲۹ خورشیدی اقدام به ساختن پل فهلیان شد که هم اکنون نیز مورد استفاده می‌باشد. این راه از پل پیرین می‌آمده به پل فهلیان و از پل فهلیان دو قسمت شده، یکی از طرف نورآباد، محل طایفه بکش، به سمت بیشاپور و کازرون ادامه می‌یافته و دیگری از پل فهلیان به سمت تنگ‌خاص و تنگ‌الله می‌آمده، از دشت‌رزم عبور کرده وارد تنگه می‌شده و در جایی به نام پل مورد به فاصله سه کیلومتر دو پل، روی رودخانه ساخته شده بود که خرابه آن‌ها و خرابه دو کاروان‌سرا که هر کدام پهلوی یکی از آن‌ها ساخته شده دیده می‌شود. پل

مورد جای با صفائی می‌باشد که به‌واسطه کوهستان اطراف آن و مسیر رودخانه و درخت مورد فراوان و چمنزارهای اطراف آن و جنگل و کوهستان، منظره زیبایی داشته و در اواخر تابستان و اوایل پاییز هوای آن خیلی خوب می‌باشد.

پل مورد به محلی که خودشان پای‌بست می‌گویند و چندان مسافتی تا پل مورد ندارد آثار کاروانسرای دیگری یافت می‌شود. از این جا راه وارد سربست می‌شود که محل سردسیری طایفه جاوید می‌باشد و پس از طی چند کیلومتر به خاک دشمن‌زیاری وارد می‌شود و به پل دوزخ می‌رسد که خرابه کاروان‌سرای در آن جا وجود دارد. جاده‌ی از پل دوزخ به پل خدا آفرید رفته و از آن جا به قریه سنگر و از سنگر به کلاستان و از کلاستان به گویم و دوکوهک که پهلوی هر کدام آثار خرابه کاروان سرا وجود دارد امتداد می‌یابد. از دوکوهک تا شیراز حدود بیست و چهار کیلومتر است. از گویم شاخه‌ای از این راه به بیضا و از آنجا به تخت‌جمشید می‌رفته است و یا از دوکوهک شاخه‌ای دیگر به طرف قمشه و کوشک بی‌بی‌چه به زرقان و از آن جا به تخت‌جمشید می‌رود. اسم پل دوزخ به واسطه عمق و طول آن و مسیر رودخانه که نگاه در آن باعث وحشت است به پل دوزخ تشبیه و معروف شده است. پل خدا آفرید هم به واسطه سنگ بزرگی است که از ارتفاع دره پرت شده و در وسط تنگه جای گرفته است و بصورت پلی درآمده که در فصل زمستان هنگام بارندگی که آب رودخانه زیاد می‌شود کسانی که در این حدود آمد و رفت دارند از آن استفاده می‌نمایند (ایلامی، ۱۳۷۱: ۲۴ و ۲۳).

منابع محلی و روایات شفاهی اهالی، بر این باورند که امام رضا علیه السلام از منطقه دشمن‌زیاری یا همان تیرمردان سابق عبور کرده است:

«حضرت رضا علیه السلام با توفقی کوتاه در شهر خوبندان (فهلپیان)، به سوی شهر نوبندگان عزیمت نمودند و در آن جا خلقی بسیار به ملاقات حضرت عزیمت کردند، امام علیه السلام با توقف کوتاهی در شهر نوبندگان مسمی، راهی شعب بوان شدند و با دیدن مناظر و چشمه سارهای جو شنده، این دره پر م‌صفا، آن را تحسین کردند و سپس از طریق بوان به کره‌کان و از آن جا به شهر چشمه سردو و دشت دیده‌بان دشمن‌زیاری، در مسجد جامع این شهر فرود آمدند و با مردم محلی ملاقات نمودند و سپس از کلاه سیاه و مشایخ و بل‌برم دشمن‌زیاری مسمی گذشتند و به منطقه دشت‌ارژن فرود آمدند. سپس هم به شیراز عزیمت کردند» (حبیبی فهلپیان، ۳۵۳).

بیش‌تر این مسیرها از گویم به خلار، از خلار به حراره، بعد به دیه‌گوز، و بعد به کرکان، و بعد بوان که جزو تیرمردان بوده‌اند، و بعد نوبندگان و از آنجا به سرزمین‌های بعدی منتهی می‌شد. و این خود گویای وسعت و اهمیت سرزمین تیرمردان بوده است که در طی زمان، مرزهایش تغییر پیدا کرده و منطقه‌ای که امروزه دشمن‌زیاری نامیده می‌شود باقی مانده آن است.

۶. نتیجه‌گیری

منطقه دشمن زیاری در گذشته با نام تیرمردان شهره بوده که بنا به دلایلی که بر ما نامعلوم است، نامش تغییر یافته است. علل تغییر نام تیرمردان، می‌تواند به دلایل مهاجرتی و یا فرهنگی و اجتماعی بوده باشد. تیرمردان در قدیم، شامل بخش‌های گسترده‌تری نسبت به دشمن زیاری کنونی بوده است که به سبب دلایل مختلفی از گستره این مرزها کم شده و هم‌اکنون تنها، بخشی از آن باقی مانده است و ما این نکته را از نوشته‌های جغرافیدانان و تاریخ‌نگاران گذشته که در مورد منطقه مورد نظر مطالبی را ذکر کرده‌اند، پی بردیم. هر چند که همگی این جغرافیدانان، به‌صورت خیلی مختصر از تیرمردان یاد کرده‌اند. با توجه به نوشته‌های جغرافیدانان و تاریخ‌نگاران، ما در می‌یابیم نام‌هایی که در گذشته برای قریه‌ها و دیه‌های منطقه‌ی دشمن‌زیاری به کار می‌رفته، امروزه تغییر یافته‌اند و یا برای ما خیلی ناآشنا هستند.

این تغییر نام‌ها، امری معمول بوده و مهاجرت‌ها و برخوردهای فرهنگی در طول تاریخ سبب، دگرگونی و تغییر نام یک مکان می‌شده است. هم‌چنین با توجه به همین اسناد، در می‌یابیم که این منطقه دارای راه‌هایی اصلی از شوش و ارجان به سمت شیراز بوده است که هم‌اکنون نیز این راه‌های پریچ و خم مورد استفاده قرار می‌گیرند. جغرافیدانان گذشته، در بیان منطقه تیرمردان، از شعب بوان بسیار یاد می‌کنند؛ چراکه در گذشته شعب بوان، بنا بر نظر جغرافیدانان یکی از چهار بهشت اربعه جهان اسلام است، جزیی از تیرمردان به حساب می‌آمده است و تقریباً همه‌ی آن‌ها شعب بوان را در زیبایی طبیعت ستوده‌اند. دشمن زیاری، دارای بافت‌های تاریخی قابل توجهی است که تاکنون نا شناخته و مبهم باقی مانده است و هر از گاهی مورد دستبرد غارت‌گران و دزدان میراث ملی قرار می‌گیرد که با شناسایی و تحقیق بر روی این آثار و بافت‌های تاریخی، هم می‌توان پرده از ابهامات منطقه برداشت و هم از نابودی تدریجی آن‌ها جلوگیری کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

- ابن بلخی (۱۳۷۴). **فارسنامه**. شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن حوقل، ابوالعالم (۱۳۶۶). **صورة الارض**. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۴۰). **مسالك الممالک**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ایلامی، بابا خان (۱۳۹۲). **تاریخ سیاسی اجتماعی ممسنی**. شیراز: ادیب مصطفوی.
- حبیبی فهلیانی، حسن (۱۳۸۴). **اثرهای پیش از تاریخ و دوران تاریخی و شاهپیر مه سنی**. شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- حبیبی فهلیانی، حسن (۱۳۷۱). **ممسنی در گذرگاه تاریخ**. شیراز: نوید.
- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۷). **فارسنامه ناصری**. تهران: سپهر.
- حسینی، محمد نصیر (۱۳۶۲). **آثار العجم**. شیراز: هنر.
- حموی، یاقوت (۱۳۸۰). **معجم البلدان**. ترجمه دکتر علی نقی منزوی. تهران: معاونت معرفی و آموزشی.
- حموی، یاقوت (۱۹۶۵). **معجم البلدان**. بیروت: دار صادر.
- حموی، یاقوت (۱۳۷۶). **معجم البلدان**. بیروت: دارصادر.
- رزم آرا (۱۳۳۳). **جغرافیای نظامی ایران**. فارس: چاپخانه ارتش
- ستاد ارتش (۱۳۳۰). **فرهنگ جغرافیایی ایران**. تهران.
- سازمان جهاد کشاورزی استان فارس (۱۳۸۵). **طرح سامان‌دهی اقتصادی-اجتماعی فضا و سکونتگاه‌های روستایی بخش دشمن‌زیاری شهرستان ممسنی**. مهندسین مشاور: توسعه تکنولوژی کشاورزی مناسب (تکم)
- سازمان محیط زیست (۱۳۹۱). **پروژه محیط زیستی احداث راه دالین نورآباد**.
- سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (۱۳۹۰). **پروژه بررسی‌های باستان‌شناسی محدوده سد پارسیان**.
- شوارتس، پاول (۱۳۸۲). **جغرافیای تاریخی فارس**. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- طاهری، عبدالصمد (۱۳۸۱). **فارسنامه دوم**. شیراز: امیدواران.
- فرصت شیرازی، محمد نصیر بن جعفر (۱۳۶۲). **آثار العجم**. تهران: فرهنگسرا.
- گاوبه، هانیس (۱۳۵۹). **ارجان و کهکیلویه**. ترجمه سعید فرهودی. تهران: انجمن آثار ملی.
- لسترنج، گی (۱۳۳۷). **جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی**. ترجمه محمود عرفان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مجیدی کرائی، نور محمد (۱۳۷۱). **تاریخ و جغرافیای ممسنی**. تهران: علمی و فرهنگی
- مستوفی، حمدالله (۱۳۱۱). **نزه القلوب**. تهران: بمبئی.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱). **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم**. تهران: مؤلفان و مترجمان ایران.

همدانی، ابن فقیه (۱۳۴۹). **مختصر البلدان**. ترجمه ح مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

حسن بیک محمدی (۱۳۷۸). **مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی**. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان،

محمد حسین پاپلی یزدی (۱۳۶۵). «تعریف مفهوم و دیدگاه تازه از جغرافیا». **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، سال سوم، شماره دوم.

محمد حسن گنجی (۱۳۶۷). **جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب**. مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.

محمود حریریان (۱۳۵۶). **شناخت پیکر زمین**. تهران: دانشگاه تربیت معلم.

پرگاری، صالح و بیطرفان، محمد (۱۳۹۴). «قم در دوره ناصری: یک بررسی جغرافیای تاریخی». **دو فصلنامه پژوهش نامه تاریخ محلی ایران**، سال سوم، شماره دوم.

